روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۲۵ تیر ۱۴۰۴ | ۲۰ محرم ۱۴۴۷ | ۱۶ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۶۵ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

| ۱۱۹۰ سال و ۳۲۷ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4365 | WED.JUL.16, 2025 | ISSN:2008-2886

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ افشاگری فایننشال تایمز از گفت‌وگوی ترامپ و زلنسکی

سناریوی حمله به مسکو و سن‌پترزبورگ

همین صفحه

معامله پنهان و پشت‌پرده بین تراکتور و پرسپولیس شکل می‌گیرد؟

ترابی و حسین‌زاده در رادار سرخ‌ها

صفحه ۶

«وطن امروز» از اهمیت راهبردی، اقتصادی و سیاسی صنعت هسته‌ای در جهان گزارش می‌دهد

انفجار سرمایه‌گذاری هسته‌ای

دهه گذشته سرمایه‌گذاری اروپا در صنعت هسته‌ای ۵۰۰ درصد رشد داشته است

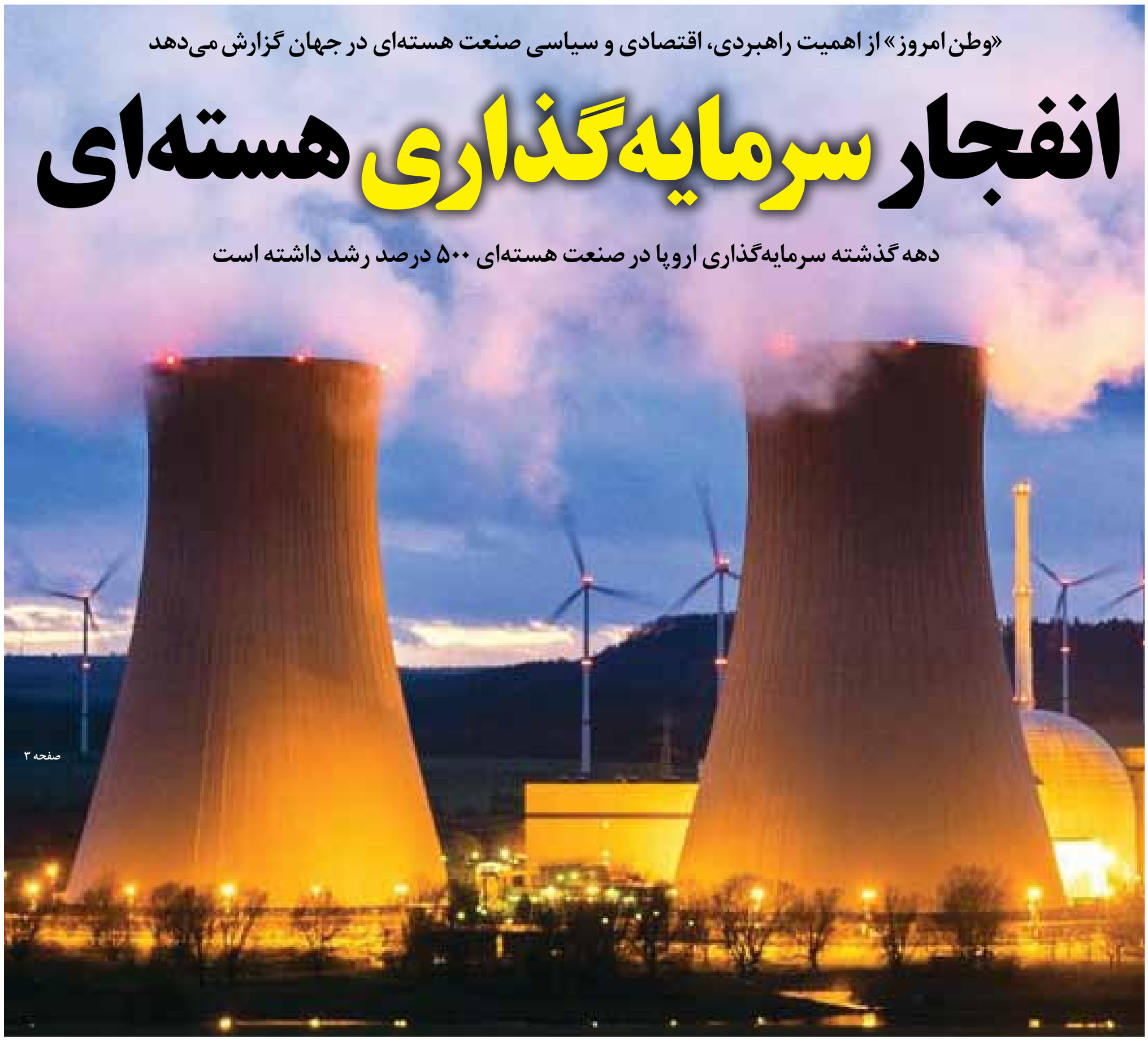

صفحه ۳

تیترهای امروز

دوگانه توافق - جنگ یک ایده خطرناک علیه امنیت ملی و عامل ترغیب دشمن برای حمله مجدد به کشور است

توافق علیه ایران؟

همین صفحه

اقتصاد رژیم صهیونیستی بر اثر جنگ با ایران روزانه ۳۰۰ میلیون دلار خسارت مستقیم دید

بازگشت موش‌ها به دوره کرونا

صفحه ۳

هشدار کارشناسان نسبت به تنش آبی در کشور به دنبال افت شدید ذخایر اغلب سدها

آب رفتگی سدها

صفحه ۴

پنتاگون به اصابت موشک‌های ایران به پایگاه آمریکا در قطر اعتراف کرد؛ بررسی شکست سامانه‌های پدافندی آمریکا در مقابل موشک‌های ایرانی

ویژه

عین‌الاسد تا العدید

صفحه ۲

خواب اسرائیل برای عراق

پل تهدید

نگاه

رضا رحمتی

به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی پس از ناکامی در حملات مستقیم به ایران، به دنبال ایجاد «پل تهدید» از طریق عراق است. این استراتژی که من از آن به عنوان «پروژه عراق» یاد می‌کنم، می‌تواند تلاشی برای نفوذ در همسایه غربی ایران و ایجاد پایگاهی برای عملیات‌های ضدایرانی باشد اما جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه، امنیتی، دیپلماتیک و نظامی، باید ضمن درک بیشتر این «پروژه» به ضرورت خنثی‌سازی این تهدید توجه داشته باشد. این یادداشت به چیستی مفهوم «پل تهدید»، بررسی جامع راهکارهای ایران در مقابله با این سناریوی خطرناک و گزینه‌های ایران می‌پردازد.

■ چرا عراق برای اسرائیل اهمیت استراتژیک دارد؟

عراق به دلایل متعدد به کانون توجه اسرائیل تبدیل شده است: نخستین دلیل همسایگی و مرز طولانی با ایران است. این موضوع سبب دسترسی مستقیم به مرزهای غرب ایران و تبدیل شدن عراق به عنوان موقعیت حائل استراتژیک برای ایران شده است. دومین دلیل اهمیت عراق برای اسرائیل، ضعف امنیتی شدید عراق به واسطه وجود گروه‌های مسلح معارض و نفوذ قدرت‌های خارجی در این کشور بویژه حضور ۲ دهه‌ای ایالات متحده در این کشور است که همین موضوع سبب تشویق به حضور در عراق یا تسلط امنیتی در عراق برای اسرائیل شده است. سومین دلیل، حضور آمریکا و وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق است که می‌تواند هماهنگ با اسرائیل عمل کرده و در مواقع لازم علیه ایران فعال شود. چهارمین دلیل اهمیت عراق برای اسرائیل، تنوع قومی و مذهبی عراق است که امکان سوءاستفاده از اختلافات داخلی عراق را فراهم می‌کند و اسرائیل می‌تواند از این شرایط برای پیشبرد اهداف خود در قالب ۳ محور اصلی استفاده کند.

۱- ایجاد شبکه‌های جاسوسی، همان‌طور که در سال‌های گذشته فعالیت این شبکه‌های جاسوسی تقویت شده و اقلیم کردستان عراق تبدیل به هاب اصلی نفوذ شبکه‌های نفوذی و جاسوسی در عراق علیه ایران شده است.

۲- انجام عملیات‌های خرابکارانه که رصدهای اخبار متعدد از ناحیه عراق نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از عملیات خرابکارانه علیه ایران در حوزه سرزمینی عراق و به واسطه ضعف شدید امنیتی این کشور برنامه‌ریزی شده است.

ادامه در صفحه ۲

دوگانه توافق - جنگ یک ایده خطرناک علیه امنیت ملی و عامل ترغیب دشمن برای حمله مجدد به کشور است

توافق علیه ایران؟

یادداشت روز

امیرعباس نوری

پس از بیانیه‌ها و نامه‌نگاری‌ها، حالا جریان غربگرا در ایران یک دوگانه جدید سیاسی را کلید زده است؛ دوگانه «توافق - جنگ». در روزهای اخیر هم در اظهارات عناصر و هم روزنامه‌های این جریان، گزاره ضرورت توافق برای جلوگیری از حمله مجدد آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران مطرح شده است. در واقع این جریان می‌گوید باید جلوی جنگ را گرفت و برای اینکه جلوی جنگ گرفته شود، باید با آمریکا توافق کرد. این انگاره از اساس اشتباه است و اتفاقا چنین دوگانه‌سازی‌هایی خطر جنگ را بیشتر از قبل خواهد کرد. اما چرا می‌گوییم این انگاره و دوگانه‌سازی‌ها اشتباه است.

۱- پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، این تلقی که دیپلماسی و مذاکره می‌تواند مانع حمله نظامی رژیم صهیونیستی یا آمریکا شود، برای همیشه رنگ باخت. در حالی که ۲ روز به موعد برگزاری دور ششم مذاکرات عراقچی و ویتکاف مانده بود رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرد. رفتار فریبکارانه ترامپ چند ساعت قبل از حمله رژیم صهیونیستی نیز نشان داد او مذاکره را پوششی برای جنگ کرده و با هدف غافلگیر کردن نیروهای نظامی ایران، چند ساعت مانده به حمله رژیم صهیونیستی، بار دیگر بر مذاکره تاکید کرد و حتی گفت حمله رژیم به ایران، قریب‌الوقوع نیست. بنابراین حمله به ایران، انداختن بمب روی میز مذاکره بود، لذا به هیچ وجه نمی‌توان مدعی بود تا زمانی که مذاکره می‌کنیم، حمله‌ای رخ نخواهد داد.

۲- ترامپ هم قبل از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، هم در دوره ۱۲ روزه جنگ و هم پس از آتش‌بس، صراحتا اعلام کرد توافق هسته‌ای زمانی رخ می‌دهد که ایران از غنی‌سازی عقب‌نشینی کرده و برنامه غنی‌سازی ایران برای همیشه متوقف شود. او حتی در میانه جنگ نیز از واژه «تسلیم» استفاده کرد تا نشان دهد از نظر او، حمله به ایران باید منجر به توقف غنی‌سازی شود. مواضع ترامپ از زمان آتش‌بس به این سو نیز تغییر نکرده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت او خط قرمز غنی‌سازی اورانیوم در ایران را بپذیرد؟ ماجرا مشخص است.

۳- بیایید درباره یک فرض محال صحبت کنیم. اگر ایران از خط قرمز خود یعنی انجام غنی‌سازی در ایران عقب‌نشینی کند و برنامه غنی‌سازی خود را متوقف کند، چه تضمینی وجود دارد طرف آمریکایی یا صهیونیست مجددا به ایران حمله نکند و جنگ به راه نیندازد؟ نه‌تنها چنین تضمینی وجود ندارد بلکه برعکس؛ چنین تصمیمی احتمال از سرگیری جنگ و حمله مجدد آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را افزایش خواهد داد. به این ۳ دلیل:

الف- ارسال پیام ضعف و ترغیب ترامپ و نتانیاهو برای پیگیری هدف اصلی یعنی تغییر نظام و تجزیه ایران

ب- از بین رفتن توان بازدارندگی هسته‌ای و برآورد ترامپ و نتانیاهو برای کم‌هزینه بودن حمله نظامی مجدد به ایران

پ- بی‌اعتباری ترامپ؛ فارن پالیسی در روزهای اخیر مقاله‌ای منتشر کرد که در بخشی از آن، عبارت مهمی درج شده بود. نویسنده مقاله با اشاره به عدم تعادل ترامپ در تصمیم‌گیری و عدم پایبندی او به تعهدات و قول و قرارها و حتی توافقات، تصریح کرد این رفتار ترامپ باعث شده دیگر هیچ کشوری در دنیا به آمریکا اعتماد نکند. بر همین اساس، هیچ تضمینی وجود ندارد که ترامپ به توافق خود با ایران پایبند بماند. کما اینکه همان‌گونه که اشاره شد از دست رفتن توان بازدارندگی هسته‌ای ایران، می‌تواند به معنای ترغیب او و نتانیاهو برای تشدید جنگ علیه ایران باشد.

■ جنگ را جنگ متوقف می‌کند

تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد قدرت دفاعی و توان بازدارندگی ایران عامل اصلی توقف جنگ بوده است. به اعتراف رسانه‌های بین‌المللی و تحلیلگران مطرح دنیا، حتی نزدیکان ترامپ، تشدید حملات موشکی ایران و استفاده از موشک‌های پیشرفته‌تر و قدرتمندتر در حملات موشکی ایران به سرزمین اشغالی را عامل کلیدی ترسیدن نتانیاهو و درخواست او از ترامپ برای طرح آتش‌بس بوده است. همین‌طور پس از حمله به العدید، آمریکا متوجه شد ایران تصمیم خود برای مقابله به مثل با آمریکا را گرفته و آن را عملیاتی هم کرده است، لذا با توجه به هزینه‌های حملات ایران به پایگاه‌های آمریکایی و همین‌طور اعتراض کشورهای حاشیه خلیج‌فارس ناگزیر شد جنگ را متوقف کند. بنابراین قدرت دفاعی و توان بازدارندگی ایران، اصلی‌ترین عامل توقف جنگ بود. قدرت دفاعی و توان بازدارندگی کلید مقابله با جنگ یا توقف جنگ است. به عنوان نمونه، غنی‌سازی ایران خود یک گزاره مهم بازدارنده است؛ ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران هم همین‌طور. آمادگی اضلاع مختلف جبهه مقاومت و عملیات‌های آنها علیه ارتش و منافع رژیم صهیونیستی هم در ارتقای توان بازدارندگی ایران موثر است. از طرفی نشان دادن میزان نقش‌آفرینی ایران در تامین امنیت حمل‌ونقل انرژی بویژه در خلیج‌فارس، دریای عمان و اقیانوس هند هم باعث تقویت توان بازدارندگی ایران می‌شود.

البته باید به این مهم نیز توجه داشت در کنار قدرت دفاعی و توان بازدارندگی، همبستگی ملی، انسجام اجتماعی و یکپارچگی و یکصدایی مردم در دفاع از کشور هم باعث می‌شود دشمن در طراحی‌های خود علیه ایران، واقع‌بینانه‌تر عمل کند.

بنابراین موضوع جنگ و حمله نظامی مجدد رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران را باید واقع‌بینانه ارزیابی کرد. شواهد نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی با هماهنگی کامل آمریکا درصدد حمله نظامی مجدد به ایران است. مسائلی مانند مذاکرات احتمالی عراقچی و ویتکاف هم مطلقا تاثیری در به تعویق افتادن این حمله ندارد. کما اینکه حمله رژیم صهیونی به ایران در ۲۳ خرداد، ۲ روز قبل از موعد برگزاری دور ششم مذاکرات عراقچی و ویتکاف انجام شد، لذا مذاکره نه‌تنها مانعی بر سر راه حمله نیست، بلکه حتی برخی معتقدند می‌تواند مجددا کارکردهایی در زمینه غافلگیری ایران داشته باشد. البته آمادگی نیروهای مسلح ایران به گونه‌ای است که احتمال غافلگیر شدن به مراتب کاهش یافته است. یکی دیگر از مواردی که درباره حمله نظامی مجدد رژیم صهیونیستی و احیانا آمریکا به ایران باید مورد توجه قرار گیرد، برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای جدید نیروهای مسلح ایران در قبال این حمله است.

این راهبردها، برساخت فهم دقیق از برآوردها و محاسبات ترامپ و نتانیاهو علیه ایران است. وقتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، جنگ را تنها گزینه -به زعم خود- شکست ایران می‌پندارند، لذا برای مواجهه و به شکست کشاندن این برآورد، باید سراغ تدابیر و اهرم‌های سخت رفت. مقامات نظامی ایران می‌گویند در صورت حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران، قرار است کاری کنند که جنگ برای همیشه متوقف شود. منظور فرماندهان نظامی ایران این است در جنگ آینده به گونه‌ای رژیم صهیونیستی را می‌زنند که نه‌تنها اهداف پروژه رژیم برای لبنانیزه کردن و استمرار ناامنی در ایران محقق نشود، بلکه رژیم دیگر امکانی برای حمله نظامی به ایران نداشته باشد. در این راستا بدون تردید باید منتظر رونمایی برخی توانمندی‌ها و سلاح‌های محرمانه توسط نیروهای مسلح ایران در خلال جنگ احتمالی آینده باشیم. تسلیحاتی کاربردی که ایران از طریق آنها به دنبال تولید یک بازدارندگی طولانی‌مدت از دل تهدید جنگ است.

بنابراین راهبرد درست در مقابل نقشه‌های جنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی، تدابیر جنگی است. یعنی در برابر یک تهدید سخت، باید مقابله سخت را انتخاب کرد و به معنای دقیق‌تر، راه‌حل توقف جنگ و پایان دادن به آن را باید در میدان جنگ یافت.

در چنین شرایطی، سخن گفتن از توافق برای متوقف کردن جنگ، یا نشان‌دهنده ساده‌لوحی است یا متاسفانه نمایانگر ردپای خیانت. وقتی رفتار و اقدامات طرف مقابل نشان می‌دهد انتخاب اصلی و قطعی آنها جنگ است و مذاکره و توافق را صرفا برای کاهش قدرت دفاعی و تضعیف توان بازدارندگی حریف مطرح می‌کند، سخن گفتن از توافق، آن هم با ایده احتمالی پذیرش شرط ترامپ برای توقف غنی‌سازی، نه‌تنها خطر جنگ را دور نمی‌کند، بلکه احتمال یک جنگ گسترده‌تر با اهداف شوم را نیز افزایش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲

افشاگری فایننشال تایمز از گفت‌وگوی ترامپ و زلنسکی

سناریوی حمله به مسکو و سن‌پترزبورگ

گزارش

حسین مهدی‌تبار

ماه عسل ترامپ و پوتین بالاخره به اتمام رسید. ترامپ هرچند دیر اما از توهم خود مبنی بر اینکه می‌تواند خیلی زود به جنگ اوکراین پایان دهد، دست برداشت. او با بیان اینکه از پوتین ناامید شده است، به نظر می‌رسد بناست استراتژی خود را در قبال جنگ اوکراین تغییر دهد؛ تغییری که سیاست دولت ترامپ را بیش از پیش به دولت بایدن نزدیک می‌کند. البته فایل صوتی‌ای که سی‌ان‌ان ۲ سال پیش، از گفت‌وگوی ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری وی منتشر کرده بود، نشان می‌داد ترامپ از ابتدا هم چندان متفاوت از بایدن فکر نمی‌کرد. در این فایل صوتی ترامپ، پوتین و رئیس‌جمهور چین را تهدید کرده بود در صورت حمله به اوکراین و تایوان، مسکو و پکن را بمباران می‌کند! چیزی که نشان می‌داد ترامپ از ابتدا هم آماده تقابل نظامی با مسکو بود. به نظر می‌رسد موعد این تقابل نظامی هرچند غیرمستقیم فرارسیده است.

اما چرا ترامپ در طول ماه‌های اخیر موضع متفاوتی اتخاذ می‌کرد؟ برای دولتمردان آمریکایی هیچ چیز به اندازه مهار چین اهمیت ندارد. در نتیجه ترامپ به دنبال آن بود با پایان جنگ در اوکراین، بر چین متمرکز شود. چین اما اعلام کرده اجازه نمی‌دهد روسیه در اوکراین شکست بخورد؛ حالا ترامپ مهار روسیه در اوکراین را هم نیز بخشی از پروژه بزرگ مهار چین می‌بیند. روسیه به عنوان متحد مهم چین باید شکست بخورد تا مسیر برای مهار چین فراهم شود.

ادامه در صفحه ۸